

متن پرسش

سلام علیکم: استاد بنده با همکاری یکی از دوستان به لطف خداوند مدتی است که شروع کردیم به استخراج قوانین الهی از دل کتاب و سنت. تا به حال دو تا از این قوانین استخراج شده. می خواستم لطف بفرمایید نظرتون را بفرمایید. ۱. قانون هجران اگر در دنیا عاشق چیزی یا کسی شوید، آن را از دست خواهید داد. اگر علاقه و محبت انسان به چیزی یا کسی غیر از خدا و یا در غیر از مسیر خدایی از حد بگذرد و جنبه افراطی پیدا کند و خداوند قصد هدایت آن شخص را داشته باشد، آن چیز یا آن کس را از او خواهد گرفت. دلیل نقلی در قسمتی از حدیثی شریف حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: ...وَالْهَجْرَانُ عُقُوبَةُ الْعِشْقِ... (بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۷۵ / ۱۱). در معنای واژه عشق در کتب لغت اینچنین آمده است: "يدلُّ على تجاوز حدِّ المحبَّة" (مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۳۲۱) و " فرط الحب" (لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۵۱) و " هو تجاوز الحد في المحبة " (مجمع البحرين، ج ۵، ص ۲۱۴) حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرمایند: "من عشق شیئا أعشى بصره، و أمرض قلبه. فهو ينظر بعین غیر صحیحة، و یسمع بأذن غیر سمیعة، قد خرقت الشهوات عقله، و أماتت الدنیا قلبه، و ولهت علیها نفسه. فهو عبد لها و لمن فی یده شیء منها، حیثما زالت زال إليها، و حیثما أقبلت أقبل علیها، لا ینزجر من الله بزاجر، و لا یتعظ منه بواعظ. کسی که عاشق چیزی شود، چشم خود را کور و قلب خود را بیمار کرده است. عاشق با چشمی نادرست می بیند و با گوشی ناشنوا می شنود، شهوات عقل او را از کار می اندازد، و دنیا قلب او را می کشد، و نفس او خواستار بی چون و چرای آن می شود. عاشق دنیا بنده دنیا می شود، و بنده کسانی که چیزی از دنیا در دست دارند، دنیا به هر طرف رود او نیز به همان طرف می رود، و به هر جا رو کند به آنجا رو می کند، هیچ بازدارنده ای خدایی او را از بدی باز نتواند داشت، و از هیچ اندرزگویی اندرز نتواند گرفت." (الحیاء / ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص: ۲۹۹) با توجه به فرمایش حضرت مشخص می شود در صورتی که شخص عاشق چیزی یا کسی غیر از خدا و در غیر از مسیر خدایی شود چون چشم و گوش او کور و کر می شود و هیچ اندرزی در او اثر گذار نیست اگر خداوند قصد هدایت او را داشته باشد او را از عشقش جدا خواهد کرد تا مقدمات هدایت در او فراهم شود. ۲. قانون عالم واقع اگر بر خلاف قوانین تکوینی یا تشریحی عالم عمل کنید از شرور در امان نخواهید بود. (از هدفی که برای آن خلق شده اید دور خواهید شد) دلیل نقلی در آیه ۳۷ سوره قصص خداوند می فرمایند: «... إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» برای فهم بهتر این آیه ابتدا مفردات آن را بررسی می کنیم. فلاح : هو النجاة من الشرور و إدراك الخیر و الصلاح. (التحقیق، ج ۹، ص ۱۳۳) برای فهم معنای فلاح باید معنای شر را نیز بررسی کنیم. شر : هو ما یقابل

الخیر، و قلنا فی الخیر: إنّه عبارة عمّا یختار و ینتخب و یکون له رجحان و فضل. فالشرّ ما یکون مرجوحاً و لا یتمايل الی اختیاره و انتخابه. فالخیر فی الحقیقة: ما فیہ نفع و حسن أثر و صلاح. و الشرّ ما فیہ ضرر و سوء اثر و فساد. (التحقیق، ج ۶، ص ۳۵) و در کتاب کلیدهای شخصیت در تعریف شر آمده است: چیزی که انسان را از هدفی که برایش خلق شده است دور می کند. پس فلاح به معنای نجات از شرور یعنی نجات از چیزی است که انسان را از هدف خلقتش دور می کند. حال واژه ظلم را بررسی می کنیم. ظلم: هو إضاعة الحقّ و عدم تأدیة ما هو الحقّ، سواء كان فی مورد نفسه أو غیره أو فی حقوق الله المتعال، و بالنسبة الی ذوی العقلاء أو غیرهم، و فی حقوق مادّیة و معنویة أو روحانیة. (التحقیق، ج ۷، ص ۱۷۱) برای فهم بهتر معنای ظلم باید معنای حق و معنای تضییع را بررسی کنیم. حق: هو الثبوت مع المطابقیة للواقع. (التحقیق، ج ۲، ص ۲۶۲) الضیعة: الضیاع. أعني الهلاك. (مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۶۶) پس معنای ظلم یعنی واقع را از بین بردن و خلاف واقع عمل کردن. در تایید این معنا در بعضی کتب لغت در تعریف ظلم آمده است: ظلم: وَضَع الشَّيْءَ فِي غير موضِعِهِ. (لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۷۳) و این یعنی خلاف واقع عمل کردن. و از آنجایی که عالم واقع از قوانین تکوینی و تشریحی تشکیل شده است، پس خلاف واقع عمل کردن یعنی خلاف قوانین تکوینی یا تشریحی عمل کردن. در نتیجه اگر کسی برخلاف قوانین تکوینی یا تشریحی عالم عمل کند، از شرور در امان نخواهد بود. ممنونم از وقتی که گذاشتید. خدا خیرتان دهد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر بنده کار خوب و ارزشمندی را دنبال می کنید. إن شاء الله در این مسیر به جایی می رسید که متوجه خواهید شد لغات، در هر فرهنگ و قومی روح مخصوصی را در تاریخ خود دارد که علم اِتیمولوژی آن را متذکر می شود. خوب است در این مورد مباحثی از اِتیمولوژی را نیز دنبال کنید. موفق باشید